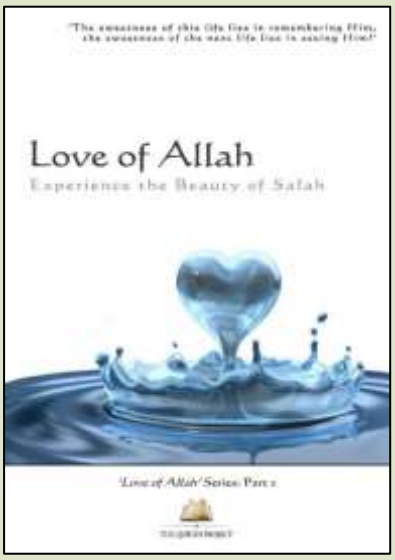
بسمه تعالی

تور نماز

نوشته نادر حسن زاده





چند روز پیش در نماز صبح به این فکر افتادم که این نمازی که ما می خوانیم یک تور کامل است. یک سیر و سلوک کامل است. با ارزش ترین اسطرلاب خداست. **خانه خدا چهار رکن دارد. دین خدا یک رکن دارد.** نماز، رکن این دین است. انسان برپا کننده نماز دین است. به یک معنا انسان عابد، رکن رکین نماز است. انسان بازآفرین نماز است. بازخوان نماز است. بارور کننده نماز است. انسان به نماز و نماز به انسان نیاز دارند. بدون انسان، نماز برپا نمی شود. فرشتگان در همه حال در حال سجده هستند. انسان اما در یکی از احوالات خود در حال نماز است. بقیه حالات، پای او بر زمین و فکر او در همه جا هست. از این رو، در حال نماز هم فکر او در چند جا بی جا هست. بی تفکر است. بی توجه است. شاید نماز تمام شد متوجه نماز خواندن خود باشد. برغم همه این کاستی ها، می داند خدا به او نیاز ندارد اما خدا او را دوست دارد. برای امروز و فردای او طرح و برنامه دارد. زمین را برای او آرام کرده است. دل را برای او عاشق کرده است. زیست را برای او آسان کرده است. قیامت را برای او مهیا کرده است تا خوش باشد و در سفره خدا متنعم باشد. خودش از جهنم می ترسد اما خدا بر بهشت او تاکید دارد. چقدر شاکریم والله علم. چقدر راحم است والله علم. انسان خوب اگر رحیم است. خدای بی نهایت خوب رحمان و رحیم است.

تاریخ نشر ۱۳۹۸/۹/۲۱. تاریخ نسخه بازبینی چهارم ۱۴۰۳/۵/۲۷

hasanzadehr@yahoo.com

نماز یومیه ۱۷رکعت است: ۲ رکعت صبح، ۸ رکعت ظهر و عصر و ۷ رکعت مغرب و عشا. محوریت نماز بر دو رکعت اول است (حمد و سوره). تکثیر و تکامل آن در ۵ نوبت است. تکلیف انسان مشخص است. با نماز انس گیرد. بی نماز تصمیم نگیرد. بین نوبت های نماز به یاد خود و دیگران باشد. نماز را در زمین بخواند پاداش آن را در زمین و آسمان بگیرد. نماز را جزو زندگی روزمره خود بداند که سبب کمال است. نماز، پل ارتباطی انسان با خداست. خیلی ساده اما بسیار تعیین کننده است. هیچکس واسطه این ارتباط نیست. مستقیم مستقیم است. نیت کنی برقرار است. همه ادیان نماز خود را دارند. همه موجودات سجده خود را دارند. ارتباط انسان با خدا برای خود آدم است. دنیا اصلا زشت نیست. دنیای مزرعه آخر است. لحظه به لحظه زندگی، اقامه نماز و ادای دین نماز است. دِیْن نماز، دِیْن زندگی است. دِیْن سلامتی است. دِیْن خدمت به خلق است. دِیْن اخلاق مداری است. اعمال نماز، جدی ترین اعمال انسان است. سخن نیست عمل است. عمل نیست عمل صالح است. زمین نیست تا آسمان است. تا انسان خود را یکی از دو مخاطب سلام های آخر نمازهای یومیه قرار نداده است نباید از این دنیا برود. دست خالی برود. نماز معمار زندگی انسانهای معتقد است. نماز همه چیز یک مومن است. غصه مومن زمانی است یک نوبت نماز او بعمد یا به سهو فوت شده باشد. فوت یک رکعت، فوت آن روز اوست. نماز جایگزین ندارد. نماز جای چانه زدن نیست. جای خودنمائی نیست. جای مهر کوبیدن بر پیشانی نیست. جای برخاستن است. حرکت دادن خود و جامعه است. جای جذب رضایت خدا و بندگان خداست (مراجعه شود به مقاله "نماز و مقایسه عملکرد آن با انواع دستگاه های پی سی آر-PCR" در همین سایت).

در تعریف رحمان و رحیم، علما معتقدند رحمان، رحمت عمومی خداوند است که شامل حال همه مردم می‌شود، چه مؤمن باشند و چه کافر، حتی رحمت عمومی خداوند که رحمان نشان دهندهٔ آن است، شامل گیاهان و حیوانات هم می‌شود. ولی رحیم، رحمت خاص خدا است که ویژهٔ آخرت است و تنها شامل حال مؤمنان می‌شود. پس بهشت و نعمت‌های آن همگی از رحمت‌های خاص خداوند سرچشمه می‌گیرد که ویژه مؤمنان است و کافران از آن بهره‌ای ندارند (پایگاه اطلاعاتی حوزه).

آقای عبدالعلی بازرگان معتقد است: رحمان رحمتی "یکطرفه" و رحیم رحمت "دو طرفه" است.

خود من معتقدم رحمانیت و رحیمیت دو روی یک سکه هستند. اگر نگویم سکه ائی است که پشت و رو ندارد. ممزوج هم و لازم و ملزوم هم اند. در وحدانیت کامل اند. یکی نباشد آن دیگری نیست. مهم وسعت آن ها و نحوه قرار گرفتن آنهاست. رحمانیت بی شعاع است رحیمیت با شعاع است. رحمانیت کل دایره است رحیمیت وسط دایره است. رحمانیت عددی به توان معمولی است (مطمئنا صفر نیست زیرا هر صفت خدا بینهایت است). برعکس رحمیت عددی به توان مثبت تا بی نهایت است. به عبارت دقیق تر لگاریتمی است. دو تا بی نهایت است. لاینتاهی است. مثل ۵+۵+۵+۵+۵=۲۵ نیست. بلکه ۵×۵×۵×۵×۵=۶۲۵ است ($\log_5(625) = 4$). بهره مندی از هر دو صفت در حد اعلا بستگی به آمادگی بندگان دارد. معلوم است نماز یک فرد مقلد با نماز یک فرد عارف متفاوت است. کار با رحمانیت شروع و با رحیمیت به اوج خود می رسد. این ترتیبی است که خدا خود به آن قائل است (بسم الله الرحمن الرحیم)..

رفتم کجا دیدم کجا

بودم کجا دیدم کجا

اصحاب حق دیدم کجا

انوار حق دیدم کجا

منزل نبود منزل کجاست

عیدانه ایمان کجاست

خود مردم اند مردم کجاست

بیدانه مردم کجاست

کجا ناکجا آباد نیست. کنج این خانه است. بزرگی این خانه است. بزرگان این خانه است. نماز خانه معنوی آدم است. خانه مسکونی، خانه میهنی آدم است. پاداش های روزانه، خانه های مینوی آدم است. بر آدم خوب و مهربان هزار خانه است. بر خدای خوب یک خانه رحمان و رحیم است. فقط باید یک دعا کرد: خدایا ما را یک لحظه به حال خود وامگذار. یک ثانیه ما را محروم از رحمان و رحیم خود مکن. چشم از ما برندار. تشویق بکن/تادیب بکن اما طرد مکن. غضب مکن. فقط رحمت کن بر رحمان خود بیفزا.

تور نماز (۱)

(۱۳۹۸/۹/۱۱)

هرچه دیدم رکن دین است

رکن مردم رکن دین است

یاد مردم رکن دین است

داد مردم رکن دین است

زیور آلات جهان است من که دیدم

زیور ادیان نماز است

زینت ارکان نگار است

صنعت دنیا شراب است

شربت دنیا ثواب است

حاجیان در خانه باشند

با تو خود فرزانه باشند

رکن ها در خانه باشند

رکن شرقی (حجر الاسود)، رکن غربی (رکن شامی) در جنوب رکن یمانی در شمال رکن عراقی

رکن پنجم ذکر دین است

فعل دین است

معرفت در همچو دین است

رکن ایمان است ببارد

رکن ایقان است بزاید

من فلک را زنده باشم

من احد را خوانده باشم

اذن من دادند اذان است

رکن من دادند نماز است

از خدا گفتن چه زیباست

هرچه باشد با تو زیبا است

نام او رحمان رحیم است

حمد اول حمد رحمان

رب خلاق رحم رحمان

نعبدو آهسته ایستاد

نستعین بایسته ایستاد

راه غی خواهنده ایستاد

مستقیم پاینده ایستاد

عابدم بر حمد اکبر

خالص ام بر کل اکبر

الاحد اخلاص دین است

الصمد اکرام دین است

لم یلد یولد نباشد

شان او جز این نباشد

در رکوع الله اکبر

در سجود الله اکبر

در قنوت الله اکبر

در قیام الله اکبر

صحبتی است الله اکبر

رفعتی است الله اکبر

مرحمت الله اکبر

منزلت الله اکبر

معرفت الله اکبر

سینه ریز الله اکبر

نیمه خیز الله اکبر

باب تشریح الله اکبر

باب تقریب الله اکبر

کل تسبیحات اکبر

کل تمهیدات اکبر

شرح تسبیح شهادت

فرق تصدیق شهادت

السلام دارالسلام است

یک وجود دائم سلام است

صادقین دارالسلام است

واصلین دارالسلام است

سالکین دارالسلام است

تارکین دارالسلام است

یک سلام بر راکعین است

یک سلام بر ساجدین است

نور صبح دیدم سلام است

تور شب دیدم سلام است

تور صبح این را نوشتم

تور ظهر بیشتر نوشتم

ظهر و عصر با هم نوشتم

مغرب از غربت نوشتم

بر عشا عشرت نوشتم

این دعا از تور دین است

این ثنا از نور دین است

یک زمان من بنده بودم

یک زمان من خنده باشم

تور نماز (۲)

(۱۳۹۸/۹/۱۴)

به سحرگاه نماز

به موالات نماز

یاد من دارد نماز

کار من دارد نماز

ارجمند نام نماز

بهره مند کار نماز

گفتمان دارد نماز

تور حق دارد نماز

آسمان در آسمان

ریسمان دارد نماز

هر دو سوی زندگی است

یک نمازی بر حبیب است

یک نمازی بر ادیب است

بر ادب دیگر نماز است

بر غریق دیگر نماز است

آن نمازی بهترین است

یاد او دارد نماز

کار او دارد نماز

حمد و حمد دارد نماز

مرتبت دارد نماز

دوردست دارد نماز

زودرس دارد نماز

بر تو قدرت این نماز است

بر تو حکمت این نماز است

بر تو آید این نماز است

بر تو بالد این نماز است

راه غی دیگر نرفتم

از دو راه دیگر نرفتم

شوسه راه دیدم نرفتم

کوره راه دیدم نرفتم

بر صراط نقمت ندیدم

کوه و دشت با هم ندیدم

اولین دیدم خودم را

در رکوع دیدم خودم را

دومین دیدم سجودم

پاک ترین دیدم سجودم

مطمئن دیدم قنوت ام

خودترین دیدم نمودم

برترین دیدم غنودم

روح او تسبیح نور است

تور او تعقیب نور است

هر رکعت با یکدگر بود

این رکعت در نزد من بود

ده سلام در یک مقام است

یک مقام با صد سلام است

سر سلام با من نبی است

بعد از او دیگر نبی است

غایبین بر ما سلام است

سالکین از ما سلام است

تور نماز (۳)

(۱۳۹۸/۹/۱۷)

مدار از اوست/مداد از اوست/مقام از اوست/حساب از اوست/کتاب از اوست/سلام از ما صلواۀ از اوست/ سئوال از اوست/ ثواب از اوست/بِعز از اوست. بذِل از اوست.

رکعت خواندم خدا خواندم/خدا خواندم قرار خواندم/قرار خواندم قوام خواندم/قوام خواندم قضا خواندم.

اگر بودم خدا خواندم/اگر دیدم خدا خواندم/خدا گفتم خدا خواندم/ بهشت دیدم خدا خواندم/جزا دیدم خدا خواندم/سزا دیدم خدا خواندم.

شبی هم سرزمین بودم/شبی هم بی زمین بودم/شعارم: بی نصیب بودم/شعار دادند سرا بودم/ثمن دیدی چمن دیدی.

سلام دادم سلام گفتم/سلام محترم سلام گفتم/نماز باشم سلام باشد/سلام هر زبان باشد.

تشهد شاهدم بود/تشخص واصلم بود/ تبرک قاصدم بود/تقرب حاصلم بود.

جوان دیدم سر باز می خواند/ سرو ناز می خواند/ با ناز می خواند/ بر می خاست و می خواند/ اذکار می خواند/ احزاب می خواند/ اسرار می خواند/ دمی با خدا می خواند/ دمی بی خدا می خواند/به گوش بودم به هوش آمد/برایش کبریا خواندند/ عجب داننده ائی دارد/ عجب خواننده ائی دارد/جوان دارد خطا دارد/پریشان خاطری دارد/ شرف دارد که خط دارد/ خطیب روزگار دارد/ جواب صد سئوال دارد.

بهشت رفتم صلواۀ دیدم/ صلواۀ دیدم صلاح دادم/سواد دیدم صلواۀ دیدم/سواد آخر هم دیدم.

ظلومی از جهولی است/خسوفی از کسوفی است/غروب از من گذر کرد/عشا بر من سلوک است.

العزه دین است/الحکمه علم است/الثوره سود است/القصه نور است.

هنوز ناگفته ها هست/هنوز نادیده ها هست/خداوند، ذوالجلال است/عدالت، ذوالفقار است/شهادت، ذوالجناح است.

مشهد رفتی قرار است/مطب رفتی سلام است/نماز اول نماز است/ نیاز بر من دعا است/ نیاز مومنان است/نیاز مسلمات است.

نماز من

(۱۴۰۳/۵/۲۷)

گل ندهی به جای من

گم نکنی دعای من

جامه من نیاز من

همسفر نماز من